



چالش اداری سازمان ملل متحد در خصوص اصل منع توسل به زور

هستی کوشا^۱، احمدرضا سلیمان زاده^۲، حسین رستم زاد^۳

چکیده

منشور سازمان ملل متحد به ارائه اصول کلی حاکم بر این سازمان و بخشی از مسائل حقوقی مرتبط بدان پرداخته و به اساسنامه اداری شباهت ندارد. بنابراین می‌توان چنین عنوان نمود که سند اجرائی - اداری سازمان ملل وجود ندارد. این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی انجام شده و درصدد پاسخ‌دهی به این سؤال است که ساختار اداری شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد به چه صورت بر تشخیص اصل منع توسل به زور تأثیر دارند؟ چنین فرض شده که اختیار تفسیر دبیران جزئی و تعیین زمان رسیدگی توسط دبیرخانه می‌تواند بر مسائل حقوقی - سیاسی نظیر تشخیص توسل به زور، اثرگذار باشند. نتیجه اینکه دبیرخانه‌های دو نهاد مذکور، از اختیار بالایی برای تعیین زمان و نحوه اداره جلسات برخوردار بوده که می‌تواند به نوعی عامل خرید وقت مبدل شود. درعین حال نظریه تفسیری دبیر جزئی گاه می‌تواند عاملی بر خروج موضوع از دستور کار باشد. بنابراین دبیر جزئی می‌تواند نظرات تفسیری خود را مبنای پیش‌نویس قطعنامه قرار دهد. چنین اعمال نفوذ، به طریق اداری عمدتاً در جریان امورات مجمع عمومی مشهود است. همچنین رابطه سازمان ملل با نهادهای خارج از آن همچون آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دیوان بین‌المللی دادگستری دارای ابهام بوده که می‌تواند جریان اداری ارسال پرونده از آن نهادها به سازمان ملل را با مشکلاتی مواجه نماید. بنابراین راه‌حل رفع چنین اعمال نفوذ، محدود شدن امورات اداری سازمان ملل متحد به منابع حقوق نوشته و حذف اثر حقوقی نظرات تفسیری دبیران می‌باشد، درعین حال می‌توان اختیارات حقوقی دبیر کل را نیز افزایش داد.

واژگان کلیدی:

سازمان ملل متحد، منع توسل به زور، تهدید به زور، حقوق اداری، مجمع عمومی.

۳۴

دوره ۱۳، شماره ۲، پیاپی ۳۴
تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲-۱-۳۱

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲-۳-۰۶

صص: ۱۷۳-۱۶۱

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

بررسی صحت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

۱. دانشجوی دکتری، حقوق بین الملل، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

۲. استادیار، حقوق بین الملل، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول) yoonatanss@gmail.com

۳. استادیار، حقوق بین الملل، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران



۱. مقدمه و بیان مسئله

هرجا که سازمانی وجود داشته باشد، بحث اداره آن مطرح بوده و به تبع آن نیز حقوق اداری نیز در آن سازمان شکل می‌گیرد. حقوق اداری می‌تواند به صورت نوشته، تعیین‌کننده تعهدات بوده و یا به صورت عرفی، اجزای آن را مشخص نماید. سازمان ملل متحد به عنوان نهادی بین‌المللی از این قاعده مستثنی نبوده و منشور ملل متحد، مصوب ۱۹۴۵ را ملاک تمامی اعمال خود قرار داده است. اما منشور اصول کلی حقوق بین‌الملل را معین نموده و به نوعی اساسنامه سازمان ملل تلقی می‌شود، لیکن حقوق اداری این نهاد تا حد زیادی به صورت عرفی شکل گرفته که بی‌تأثیر از اعمال نفوذ ابرقدرت‌ها نیست.

اگر مسائل سیاسی و منابع اصلی حقوق بین‌الملل نادیده انگاشته شود، گاه به واسطه مقررات اداری سازمان، می‌توان حقوق کشورها را نادیده انگاشت. در دوران جنگ ایران و عراق، مجریان مجمع عمومی سازمان ملل ضمن استناد به تعریف مجهول تجاوز، برخلاف جریان معمول رأی‌گیری در این مجمع، بارها مانع از برگزاری جلسه عمومی در این خصوص شدند. در قضیه هسته‌ای نیز مشاهده شد که برخلاف تمامی تأسیس‌های حقوق بین‌الملل، مجریان مجمع عمومی تأسیس مضکی علیه کشورمان با نام «تهدید به زور» مطرح کرده که کاملاً خلاف واقع می‌باشد. در واقع تنظیم‌کنندگان اسناد حقوقی سازمان ملل، مجریان اداری محسوب شده که پیش‌نویس به ظاهر بی‌طرفانه تنظیم‌شده توسط آن‌ها، می‌تواند آثار حقوقی قابل توجهی بر کشورها داشته باشد، بنابراین ضرورت داشته که جریان اداری مؤثر بر اعمال حقوقی این نهاد بررسی شود.

چنانچه مشخص است، بحث در خصوص نظام اداری سازمان ملل، در ادبیات حقوق عمومی محجور مانده و به صورت بسیار جزئی به آن اشاراتی شده است.

رونزیتی^۱ (۲۰۰۶) در تحقیق خود، ابتدا به سیر تکوین مفهوم کنونی از دفاع مشروع پیش‌دستانه پرداخت. سپس به نقد تفسیر موسع از ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد پرداخته و سوءاستفاده حقوقی آمریکا و اسرائیل از اتفاقاتی همچون ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را در جهت ارائه تفسیر هرچه وسیع‌تر از دفاع مشروع پیش‌دستانه محکوم نمود.

ویدمار^۲ (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان «توسل به زور و دفاعیات در حقوق مسئولیت بین‌المللی» بیان داشت که معاذیر غیرقانونی توسل به زور در رویه بین‌المللی دولت‌ها و ارگان‌های سازمان ملل پذیرفته‌شده است. چنین عنوان داشته که باتوجه به کامن‌لایی بودن حقوق داخلی کشورهای غربی و تأثیر آن‌ها بر سازمان ملل، عرف کامن‌لایی در این مورد پذیرفته شده است.

لاچینیانی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «مسئولیت حمایت و مشروعیت مداخله بشردوستانه» به بررسی شرایط تحقق مداخله بشردوستانه پرداخته و ضمن توجه به نگرانی‌های کشورهای جهان سوم در مورد مداخله بشردوستانه به جهان‌شمول بودن قواعد بنیادین حقوق بشر و همچنین جایگاه قوانین حقوق بشر در چهارچوب منشور سازمان ملل اشاره کرد.

میهن‌دوست (۱۳۹۸) در پایان‌نامه دانشجویی با عنوان «تحولات اصل منع توسل به زور در حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱» براساس موازین حقوق بین‌الملل به ترسیم مواضع و تعیین محتوای آن اصل و استثنای وارد بر آن مبادرت کرد. چنین عنوان داشت که دفاع پیش‌گیرانه، مهم‌ترین رکن اختلاف تلقی شده و تفاسیر مختلفی در این باره موجود است. نمی‌توان حق پیش‌دستی حمله را نادیده گرفت، بلکه نسبت به آن تلاش‌هایی مبذول داشت.

1. Ronzitti
2. Vidmar



در این پژوهش برای نخستین بار به بحث حقوقی در خصوص نظام اداری سازمان ملل متحد پرداخته شده و این در نوع خود دارای نوآوری می باشد.

از آنجاکه این تحقیق از پژوهش های بنیادی از نوع مطالعه تحلیلی-توصیفی است که در آن از روش های استدلال و تحلیل عقلایی بر پایه مطالعات اسنادی (کتابخانه ای) بهره گرفته می شود، لذا روش گردآوری اطلاعات روش کتابخانه ای می باشد که ماخذیابی، گام نخست این پژوهش خواهد بود و از طریق فیش برداری یا تحقیق و تفحص در آثار علمی بهره مند شده است. سؤال پژوهش اینکه ساختار اداری شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد به چه صورت بر تشخیص اصل منع توسل به زور تاثیر دارند؟ هدف پژوهش پاسخ دهی به این سؤال می باشد. چنین فرض شده که اختیار تفسیر دبیران جزئی و تعیین زمان رسیدگی توسط دبیرخانه می تواند بر مسائل حقوقی-سیاسی نظیر تشخیص توسل به زور، اثرگذار باشند. در این پژوهش، ابتدا ساختار عمومی اداری سازمان ملل متحد بررسی شده، سپس تأسیس های جدید به موجب اختیارات اداری موردنقد قرار گرفته است. در ادامه اثر جریان اداری بر عناصر استقلال بررسی شده و سپس نمونه های موردی تحلیل گردید.

۲- ساختار اداری سازمان ملل متحد

در تمام ارگان های اجرایی، بخشی به نام دبیرخانه وجود داشته و پیگیری امور خاص محوله به خود را عهده دار است. سازمان ملل از بخش های متعددی تشکیل شده که جهت اطلاع کلام از تکرار مکرات پرهیز شده است. اما با توجه به اهمیت دو نهاد مهم «مجمع عمومی» و «شورای امنیت»، و همچنین اثر آن بر تشخیص وضعیت منع توسل به زور، جریان اداری این دو نهاد مورد بحث قرار گرفته است. دبیرخانه های این دو نهاد پیگیر امورات محوله بوده و نظر دبیران جزئی بر جریان رأی گیری اثری مهم دارد. البته این تأثیر در مجمع عمومی بیشتر از شورای امنیت است، چراکه ابرقدرت ها پیش از حضور در جلسه تصمیم مقتضی را اتخاذ نموده اند (بمزای^۱، ۲۰۱۹: ۱۴۰).

خروج موضوع از جریان کار مجمع عمومی معمولاً هر بهای است که بارها توسط ابرقدرت ها به کار گرفته شده و این مهم توسط اظهار نظر کارشناسی ممکن بوده است. بنابراین می توان اساسنامه سازمان را در تعیین خط مشی کلی اداری آن دارای نقص دانست. سند تأسیس سازمان ملل تنها به منشور خلاصه شده که به جز آن، سند نوشته حقوقی دیگری ندارد. بنابراین می توان چنین بیان داشت که با توجه به اینکه پایه های سازمان ملل توسط کشورهای غربی گذارده شد، عرف کامن لابی آن ها بر ساختار اداری آن سایه افکند (کاندب^۲، ۲۰۲۰: ۱۱۱).

در مسائل سیاسی گاه زمان بسیار مهم بوده و به معنای تأمین منافع کشورهاست. در نتیجه زمان اتخاذ تصمیم شورای امنیت و یا مجمع عمومی، یکی از روزه های اعمال نفوذ بر آن محسوب می شود. در واقع خرید زمان توسط تعیین زمان بررسی انجام شده که در اختیار دبیرخانه می باشد (قلمکاری، ۱۳۹۴: ۴۴).

دبیران جزئی گاه به واسطه قابل مسموع نبودن مفاد قطعنامه، آن را از دستور کار خارج می کنند. این مهم در جریان دادرسی های کشور ما نیز مشاهده می شود و دعاوی که منطبق بر اصول حقوقی نمی باشند، از ابتدا مسموع نیست. اما در کشور ما قانون نوشته حکم فرماست و مصادیق این مهم را به درستی مشخص نموده است. در وضعیتی که مصداق آن به عرف واگذار شده، رد درخواست می تواند روزه اعمال قدرت تلقی گردد (صالح مجد و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰۰).

۱. BAMZAI

۲. CANDEUB



چنانچه بیان شد، عامل اثرگذار اصلی بر شکل‌گیری نظام اداری سازمان ملل متحد، عرف می‌باشد. دبیرکل حسب اختیارات خود، برای هر زیرگروه، دبیر جزئی تعیین کرده و دیگر کارمندان همچون منشی و اعضای دبیرخانه نیز به همراه آن انتخاب می‌شوند. دبیر جزئی از اراده دبیرکل ناشی شده و مستقل از اراده کشورهاست، چه بسا می‌تواند همسو با اراده کشورها حرکت نماید (اسپتن^۱ و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۵۱).

آخرین انتقاد به اقدامات دبیر مجمع عمومی، به سال ۲۰۰۴ باز می‌گردد (کینچین^۲، ۲۰۱۸: ۱۱). در سال ۱۹۸۰ و در جریان جنگ ایران و عراق، دبیر مجمع که درخواست محکومیت حمله عراق به وی واصل شده بود، با این تفسیر که تعریف دقیق تجاوز در قطعنامه‌های سازمان ملل وجود ندارد و در خصوص اقدام عراق نیاز به تحقیق مستقل می‌باشد، از طرح مسئله در مجمع عمومی خودداری نمود و اعتراضات نماینده وقت جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل نیز کارساز واقع نشد.

در سال ۲۰۰۴ و در جریان ترور شیخ احمد یاسین رهبر گروه نظامی حماس، دبیر مجمع پیش‌نویس قطعنامه کشورهای عربی درباره محکومیت اسرائیل را به سبب عدم استقلال کشور فلسطین، فاقد وجهت قانونی برای طرح دانست و مانع از رأی‌گیری در این خصوص شد. در نهایت شورای امنیت نیز با حمایت آمریکا از تصویب قطعنامه علیه اسرائیل خودداری نمود.

با وجود اینکه مطابق مفاد منشور، شورای امنیت در زمان وقوع بحران‌ها می‌بایست در اسرع وقت نسبت به تشکیل جلسه اقدام نماید، به واسطه مسائل اداری، تشکیل جلسه ممکن است به‌نوعی با تأخیر برگزار شود. این مهم به معنای خرید زمان باهدف کسب امتیازات سیاسی بیشتر تلقی می‌شود.

در سال ۲۰۰۶ و در جریان جنگ ۳۳ روزه میان اسرائیل و حزب‌الله لبنان، نماینده لبنان که عضو غیردائم شورای امنیت بود، درخواست محکومیت جنایات اسرائیل را صادر نمود. دبیرخانه شورا، به بهانه‌های مختلف نظیر تجمیع اعضاء و ... جلسه را با ۵ روز تأخیر برگزار نمود که به جنایت روستای قانا ختم گردید (بولانجر^۳ و همکاران، ۲۰۲۱: ۵۱۱). با وجود تصریح منشور به تشکیل جلسه اضطراری در صورت درخواست اعضاء شورای امنیت، اما درخواست لبنان به دلایل ضعف سیاسی نادیده انگاشته شد و دبیرخانه از اعلام زمان جلسه خودداری نمود. البته قابل ذکر است که دبیرخانه نمی‌تواند درخواست اعضاء را به‌طور کامل نادیده انگارد، اما در خصوص کشورهای با نظام سیاسی ضعیف‌تر، می‌تواند تشکیل جلسه را به تعویق اندازد. در خصوص جنگ ۲۰۰۶ این مهم به معنای خرید وقت برای اسرائیل تلقی شد.

اختیارات بالای اداری در نهادهای وابسته به سازمان ملل که به‌طور کلی فاقد سند اجرایی می‌باشند بیشتر است. اکثر این نهادها فاقد جامعیت اعضاء بوده و به‌مانند مجمع عمومی کامل و جامع کشورها را شامل نمی‌شوند. سقف حصار برای رأی‌گیری بدون قاعده خاصی نادیده انگاشته شده و در صورت تصویب، قطعنامه‌ها از حمایت سازمان ملل متحد برخوردار می‌باشد. برای مثال می‌توان به قطعنامه لغو تحریم اقتصادی اسرائیل توسط شورای اقتصادی سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ اشاره داشت که با حضور تنها ۶۰ درصد اعضاء انجام شد و از حمایت دبیرکل وقت نیز برخوردار بود (هنریکو^۴، ۲۰۲۱: ۴۹۰). اما محکومیت اقدام اسرائیل در حمله به کشتی مأوی مرمه در سال ۲۰۰۹، به سبب غیبت ۲۰ درصد اعضاء در شورای حقوق بشر این سازمان تصویب نشد.

۱. EPSTEIN
۲. KINCHIN
۳. BOULANGER
۴. HENRICO



(لیسنکو^۱، ۲۰۲۱: ۱۵). نتیجه اینکه اختیارات اداری در نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد بسیار بالا بوده که در غیاب سند اجرایی حقوقی، می‌تواند روزنه اعمال قدرت تلقی شود.

از دیگر جنبه‌های عرفی در تضاد با منشور، می‌توان به بند سوم ماده ۲۷ اشاره نمود که به موجب آن طرفین دعوی در شورای امنیت که پرونده به نفع آن‌ها مطرح است، حق دادن رأی ندارند. اما در خصوص پرونده هسته‌ای ایران، کشورهای آمریکا و انگلستان که ذی‌نفعان اصلی پرونده بودند، مستقیماً در رأی‌گیری حضور یافته و علیه کشورمان رأی دادند. مجریان اداری شورای امنیت توانایی اعمال کامل بند سوم ماده ۲۷ منشور را نداشته و یا خواهان آن نبودند. در جریان جنگ اوکراین نیز روسیه به‌عنوان یک‌طرف جنگ مستقیماً در رأی‌گیری‌های مربوطه شرکت نمود. بنابراین در جریان اداری شورای امنیت، بند سوم از اصل ۲۷ منشور عملاً اجرائی نمی‌گردد.

۳- تشخیص اصول حقوق بین‌الملل در سازمان ملل

اصول حقوق بین‌الملل نیازمند تشخیص بوده که متأسفانه تفاسیر جانب‌دارانه از آن توسط دولت‌ها، آفت این مهم محسوب می‌گردد. در زمان جنگ ایران و عراق، با وجود محرز بودن تجاوز عراق به خاک ایران، دولت عراق با تفاسیر غیرمنطقی ایران را متجاوز اعلام می‌کرد. از این قبیل مثال‌ها در تاریخ روابط بین‌الملل فراوان است و هر دولت به نفع خود تفاسیر جانب‌دارانه ارائه می‌دهد. اما سازمان ملل به‌عنوان یک‌نهاد حقوقی و مستقل می‌بایست اظهارنظر واقعی خود را اعلام دارد که متأسفانه تحت تأثیر ابرقدرت‌ها این اتفاق نیفتاده است. باتوجه به این‌که دو اصل مهم «توسل به زور» و «تهدید به زور» مبنای آغاز اقدامات نظامی ابرقدرت‌ها قرار گرفته است، تشخیص به‌موقع این اصول حقوقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. ذیل این قسمت اثر وضعیت اداری سازمان ملل بر تشخیص مصداق این موارد ذکر شده است.

۳-۱ توسل به زور

در صورتی‌که هر کشوری برای اعمال سیاسی خود به زور متوسل شود، برخلاف بند چهارم از ماده دوم عمل کرده و به‌موجب ماده ۵۱ منشور، کشور متقابل از حق دفاع مشروع برخوردار می‌باشد. در خصوص قضیه اوکراین، ضمن اطمینان روسیه از حضور خود در شورای امنیت برخلاف بند سوم از اصل ۲۷، جریان اداری نتوانست اقدامی مؤثر انجام دهد و در مدت‌زمان کوتاه با مخالفت روسیه، محکومیت این حمله انجام نشد. دیران اجرائی می‌توانستند ضمن استناد به ماده حقوقی مذکور، از حضور روسیه در جریان بحث خودداری نمایند تا قطعنامه محکومیت حمله صادر می‌شد، اما در عمل این اتفاق نیفتاد. باتوجه به سرعت پیشروی ارتش روسیه در روزهای نخستین جنگ، تأخیر سه‌روزه در رأی‌گیری مجمع عمومی توانست مهلت مناسبی برای تصرفات بیشتر فراهم کند، هرچند که بعداً اکثر این مناطق توسط ارتش اوکراین و نیروهای مردمی آزاد شدند. در اینجا دیران اجرائی مجمع عمومی به‌سرعت به وظیفه خود پرداخته و پیش‌نویس قطعنامه محکومیت حمله به اوکراین را تهیه کردند. این پیش‌نویس کاملاً جانب‌دارانه از اوکراین بوده و توسط نمایندگان کشورهای بازخوانی و اصلاح نشد. اما بازم بحث در این خصوص به سه روز زمان نیاز برد که به نظر اختلافات اعضای مجمع عامل این مهم بود. اما دبیر مجمع به‌صورت جانب‌دارانه از اوکراین عمل نمود و حق دفاع مشروع برای آن را به رسمیت شناخت.

۱. LYSENKO



چنانچه مشخص است، بحث‌های حقوقی در خصوص توسل به زور (در مواردی که اقدام نظامی صورت پذیرفته است) به اعطای حق دفاع مشروع به کشوری شده که به آن تجاوز شده است. در این باره اقدامات اداری قابل تأمل است. جریان اداری در زمان حمله عراق به ایران با حمله روسیه به اوکراین قابل مقایسه نیست.

۲-۳ تهدید به زور

تهدید به زور زمانی به عمل پیوسته که پیش از هر اقدام عملی، نسبت به آن تهدید شده است. با وجود تعریف این مهم موازی با توسل به زور، اما اقدامات سازمان ملل در زمان وقوع بحران تصریح شده و حسب تعریف اختیارات این نهاد، در زمان وقوع بحران است که اعضاء برای احقاق حقوق کشورها اقدام می‌نمایند.

با این حال در موازی‌کاری‌های سازمان ملل، گاه «تهدید به زور» موازی با «توسل به زور» دانسته شده و ضمن توجه اقدامات حقوقی نسبت به آن، حق دفاع مشروع برای تهدیدشونده به رسمیت شناخته شده است، این در حالی است که ماحصل اقدامات علیه تهدید به زور، می‌بایست به منع عملی نمودن تهدید بیانجامد (لارا، ۲۰۲۱: ۴۷۱).

مجمع عمومی سازمان ملل حداقل در سه قطعنامه و شورای امنیت حداقل در پنج قطعنامه، جمهوری اسلامی ایران را عامل تهدید صلح دانسته و کشورهای طرف مقابل را محق به اتخاذ اقدامات متقابل دانسته است. در قطعنامه‌های شورای امنیت درخواست‌ها تماماً توسط ایالات متحده آمریکا ارائه شده و در مجمع عمومی، پیش‌نویس قطعنامه‌ها توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی ارائه شده است. در این باره چند نکته قابل توجه است.

۱- حسب اختیارات دو نهاد مهم شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل، در زمان توسل به زور سازمان ملل متحد به قضیه ورود کرده و حق دفاع مشروع را برای کشور متقابل به رسمیت می‌شناسد. تهدید به زور ضمن مذاکرات سیاسی اعضای جامعه ملل قابل ارتفاع است. بنابراین به هیچ درخواستی در خصوص تهدید به زور نباید ترتیب اثر داده شود. اما دبیران اجرایی به این درخواست‌ها رسیدگی کردند.

۲- اعطای حق دفاع مشروع به کشور طرف مقابل به موجب اصل ۵۱ منشور ملل متحد در زمان توسل به زور است و نه تهدید به زور، در حالی که در قطعنامه‌های علیه کشورمان، این حق به کشورهای طرف مقابل اعطاء شده است. پیش‌نویس این قطعنامه‌ها عموماً توسط ایالات متحده و رژیم صهیونیستی تهیه شده و دبیران اجرایی به غیر حقوقی بودن آن ایرادی وارد نکرده‌اند. این در حالی است که در صورت غیرحقوقی بودن هر پیش‌نویس، حسب عرف اداری، دبیران موظف به تهیه پیش‌نویس مطابق قوانین موجود هستند.

۳- شکایت جمهوری اسلامی ایران علیه رژیم صهیونیستی، به سبب حمله‌های هکری که به نوعی توسل یا تهدید به زور تلقی می‌شود، با این تفسیر که حملات هکری به عنوان حمله علیه کشورها محسوب نمی‌شود، توسط دبیر اجرایی ترتیب اثر داده نشد. این در حالی است که به موجب نظریه تفسیری دیوان دادگستری بین‌المللی حسب تفسیر موسع مواد ۶ تا ۸ دستورالعمل تالین، حملات سایبری به مثابه حملات نظامی دانسته شده که دارای آثار یکنسان می‌باشند (حجازی و صلح چی، ۱۳۹۹: ۲۰). اما با این وجود به درخواست جمهوری اسلامی ایران، ترتیب اثر اداری داده نشد.



۴- باتوجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل تاکنون وارد جنگ نظامی مستقیم نشده‌اند، بنابراین تهدید به زور علیه یکدیگر به صورت کاملاً مساوی انجام شده، لیکن برخورد سازمان ملل با هر یک از طرفین متفاوت بوده که به معنای اعمال نفوذ سیاسی می‌باشد.

ماحصل بحث اینکه در اقدامات اداری سازمان ملل متحد نسبت به دو طرف مخاصمه، اقدامات تبعیض آمیز انجام شده است.

۴-مخدوش شدن عنصر استقلال سازمان ملل

چنانچه بیان شد اقدامات اداری سازمان ملل متحد به مخدوش شدن عنصر استقلال این سازمان منتهی شده که قابلیت بحث دارد. می‌بایست جریان اداری مستقل و در چارچوب منابع حقوقی نوشته، اداره جلسات را عهده‌دار شود که این مهم در جریان نظام اداری سازمان ملل مشهود نیست (استواری و امامی، ۱۴۰۰: ۳۲).

۴-۱ رأی گیری در شورای امنیت

به موجب مقررات اداری سازمان ملل که از عرف و منشور سرچشمه می‌گیرد، درخواست جلسات شورای امنیت به خواست هر یک از اعضاء یا دبیرکل سازمان ملل، برگزار شده و به دبیرخانه شورا ارائه می‌گردد. دبیرخانه پس از وصول درخواست، درخواست اظهارنظر دبیر را نموده و در جریان تفسیر نظریه، درخواست به نزد دبیرکل ارسال می‌گردد. دبیرکل در اینجا از اختیار امضای تشریفاتی برخوردار می‌باشد و تاکنون سابقه نداشته که با مخالفت وی، جلسه شورای امنیت برگزار نشده باشد. اما نظریه تفسیری و زمان اعلام وصول جلسه از جمله مباحث پرحاشیه در این نهاد می‌باشد (الیاسی، ۱۳۹۴: ۴۳).

معمولاً در صورتی که کشورهای عضو دائم یا دبیرکل، درخواست را مطرح کرده باشند، نظریه دبیر یا ارائه نشده یا در صورت ارائه نیز چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. زمان اجرای جلسه نیز در اسرع وقت خواهد بود.

اما در مواردی که اعضای غیردائم شورای امنیت درخواست را ارائه داده باشند، اولاً ارسال درخواست برای اخذ تأییدیه نهایی به دبیرکل در اسرع وقت انجام نشده و همچون مثالی که در خصوص واقعه قانا بیان شد، باهدف خرید زمان، درخواست به موقع تأیید نمی‌شود، هر چند که حسب قواعد منشور، جلسات اضطراری می‌بایست پس از تسلیم درخواست در اسرع وقت انجام شود.

نظریه تفسیری دبیر جزئی، گاه به معنای تنظیم پیش نویس قطعنامه می‌باشد. در واقع اختیار تنظیم پیش نویس قطعنامه از کشورهای غیر عضو گرفته شده و بارها به سبب نظریه دبیر جزئی، پیش نویس جدید به شورای امنیت ارائه شده که کاملاً مطابق خواست اعضای دائمی می‌باشد (لومبانراجا، ۲۰۲۰: ۲۲۰).

با توجه به اثری که نظریه تفسیری دبیر جزئی بر جریان تصویب قطعنامه دارد، می‌بایست دبیر در اوج بی طرفی انتخاب شده و پیش نویس مطابق نظر درخواست کننده را برای رأی گیری تنظیم نماید. در واقع دبیر می‌بایست تنها نقش مجری و ناظر در چارچوب قانون را داشته باشد که در اینجا خود به عنوان عضوی اثرگذار عمل می‌نماید. بنابراین نیاز است که در اثرگذاری دبیرخانه شورای امنیت تجدیدنظرهایی صورت پذیرد.

۴-۲ رأی گیری در مجمع عمومی

در بند پیشین در خصوص اثرگذاری نظر دبیر جزئی شورای امنیت مطالبی بیان شد. همین اختیار در خصوص مجمع عمومی نیز قابل اعمال است. مطابق عرف حقوقی حاکم بر مجمع عمومی، در صورت درخواست چند عضو مجمع (تعداد دقیق آن مشخص نشده است) دبیرخانه مسئول برگزاری جلسه در اسرع وقت می‌گردد. پیش نویس قطعنامه نیز توسط کشورهای درخواست کننده



ارائه می‌شود. اما در بدو ارائه درخواست، معمولاً نظریه تفسیری دبیر، می‌تواند حتی مانع از اجرای جلسه مجمع شده که در زمان جنگ ایران و عراق این مورد عملیاتی شد. بنابراین پیش‌نویس اولیه قطعنامه با نظریه تفسیری دبیر جزئی به مجمع ارائه‌شده که می‌تواند کاملاً جانب‌دارانه تلقی شود. اما در صورت طولانی شدن بحث در مجمع عمومی، قطعنامه اصلاحی می‌تواند حسب نظر کشورهای درخواست‌کننده تنظیم گردد (شاپیرو^۱، ۲۰۱۸: ۱۵۲).

بنابراین در صورت طولانی شدن بحث در مجمع عمومی، دبیر جزئی می‌تواند با اعلام نمودن ختم جلسه، مانع از ارائه پیش‌نویس موردنظر کشورهای درخواست‌کننده شود (سیکورا^۲، ۲۰۱۸: ۱۴۱).

بنابراین کشورهای درخواست‌کننده برای اعمال پیش‌نویس مدنظر خود به مجمع عمومی می‌بایست در مدت زمان کوتاه بحث، اصلاحات موردنظر خود را به صورت اساسی به قطعنامه وارد نمایند. در غیر این صورت با نظریات تفسیری دبیر جزئی و اختیار وی بر اعلام پایان جلسه مجمع به صورت ناتمام، اعمال نظر کشورهای عضو مجمع در پیش‌نویس قطعنامه عملاً عقیم خواهد ماند (ونریب^۳، ۲۰۲۱: ۲۵۰).

۴-۳ اختیارات دبیر کل

چنانچه بیان شد، برخلاف دبیران جزئی که از اختیارات نظریه تفسیری و اداره جلسات مجمع برخوردارند، دبیرکل تنها از اختیارات تشریفاتی برخوردار بوده و اظهار نگرانی‌های وی به‌عنوان یک مرجع حقوقی دارای اهمیت است. اما اختیار اعطایی به وی برای تشکیل جلسات تنها جنبه تشریفاتی داشته و نظریه تفسیری وی جایی در اعمال حقوقی سازمان ندارد (وردن^۴، ۲۰۲۰: ۴۷۱). انتصابات وی در خصوص دبیران جزئی نیز نیمه محدود ارزیابی می‌شود، چراکه از بین فعالان حقوقی سازمان ملل در زمینه خاص، می‌بایست دبیر جزئی انتخاب گردد. بنابراین اختیار دبیرکل در انتصاب دبیران جزئی که در خصوص اختیارات بالای آن‌ها صحبت شد، از بین گزینه‌های محدود انجام می‌شود. لذا اختیارات دبیرکل به نسبت دبیران جزئی محدودتر و تشریفاتی‌تر می‌باشد، درعین حال دبیران جزئی از اختیارات بالاتری برخوردار بوده که در اوج گمنامی از قابلیت اعمال حقوقی برخوردارند.

۵- بررسی نمونه موردی

ذیلاً به بررسی چند نمونه موردی مطرح در سازمان ملل متحد پرداخته شده تا مسائل حقوق اداری در این خصوص به نحوی بهتر تبیین شود.

۵-۱ قضیه هسته‌ای ایران

رابطه بین دو نهاد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۵ و سازمان ملل متحد دارای ابهام است. اما این نکته قابل توجه است که تا زمان ارجاع پرونده هسته‌ای توسط آژانس، شورای امنیت در این خصوص دخالتی نمی‌نماید. هرچند که مجمع عمومی سازمان ملل به صورت مستقل می‌تواند علی‌الرأس در این خصوص تصمیم بگیرد. قوانین نوشته در خصوص وضعیت ارجاع پرونده به سازمان ملل متحد مطلبی بیان نموده‌اند (رسنلوم^۶، ۲۰۱۸: ۱۴).

۱ SHAPIRO
۲ SIKORA
۳ WEINRIB
۴ WERDEN
۵ IAEA
۶ ROSENBLOOM,



باتوجه به عدم الزام شورای امنیت در خصوص دریافت گزارش از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، عرف موجود چنین ایجاب کرده که گزارش‌ها ابتدا به مجمع عمومی ارسال شده و در صورت عدم حصول نتیجه شورای امنیت مختار به ورود به قضیه است. ورود مستقیم پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل، نمونه‌ای از سوءاستفاده از ساختار اداری نانوشته سازمان ملل می‌باشد (سات^۱، ۲۰۱۲: ۱۴۲).

پرونده هسته‌ای ایران در اسرع وقت در شورای امنیت بررسی شد و تحت عنوان تهدید صلح و امنیت سازمان ملل مصداق گردید. لذا اعمال تحریم‌های ساخت علیه کشورمان پیشنهاد شد که عملاً اجرا گردید (مریمان^۲، ۲۰۱۸: ۷۰). ورود ایران به فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد به معنای استفاده از نهاد عرفی می‌باشد. در این باره ذکر چند نکته حقوقی قابل توجه است.

۱- نظر اولیه دبیر جزئی بر تهدید صلح و امنیت جهانی توسط جمهوری اسلامی ایران بود و این در حالی است که بنا به اظهارات ایالات متحده آمریکا و اسرائیل که ذینفعان این قضیه بودند، ایران در آن زمان با ساخت بمب اتم فاصله زیادی داشت.

۲- رسیدگی به موضوع در اسرع وقت صورت گرفت و با مسئله زمان دستیابی ایران به بمب اتم تناقض دارد. بنابراین می‌توان چنین بیان داشت که در قضیه هسته‌ای ایران، نهاد اداری شورای امنیت اقدامات ذیل را غرض ورزانه انجام داد.

۱- دریافت مستقیم گزارش از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.

۲- رسیدگی به موضوع در اسرع وقت، با وجود عدم قریب الوقوع بودن خطر فرضی.

۳- استناد دبیر جزئی به گزارشات بی اساس.

۴- تحت تاثیر قرار دادن اعضای شورای امنیت در خصوص لزوم تنبیه ایران.

نتیجه اینکه در خصوص قضیه هسته‌ای ایران، از جریان اداری شورای امنیت برای محکومیت قاطع ایران و فشار بر کشورمان سوء استفاده گردید.

۵-۲ قضیه اوکراین

روسیه با تفسیر خود در خصوص اصل ۵۱ منشور ملل متحد به اوکراین حمله نمود. در وحله اول که درخواست تشکیل جلسه شورای امنیت وصول شد، می‌بایست به موجب بند سوم اصل ۲۷ منشور، از حضور روسیه در این جلسه خودداری می‌شد، اما متأسفانه مسئولین اجرایی شورای امنیت، به این مهم توجه نکرده و به علل مختلف جریان اداره جلسه را به درستی انجام ندادند که نتیجه آن مخالفت روسیه با پیش‌نویس قطعنامه علیه خود بود.

در مجمع عمومی، دبیر جزئی با نظریه تفسیری خود، برخلاف زمان حمله عراق به ایران، اقدام روسیه را مطابق با تعریف تجاوز دانست. بنابراین جریان اداره جلسات به سرعت انجام شد و دبیر، پیش‌نویس قطعنامه غربی‌ها را پذیرفت و به رأی گذاشت. اقدام دبیر در تنظیم پیش‌نویس حسب نظر درخواست‌کنندگان، کاملاً حقوقی محسوب شده، اما نظریه تفسیری تعریف تجاوز با توجه به موارد پیشین، عملی سیاسی محسوب می‌شود.

۱ STAAT

۲ MERRIMAN



۵-۳ قضیه فلسطین

با توجه به حضور ایالات متحده آمریکا به عنوان متحد اسرائیل در شورای امنیت و اعمال مکرر استفاده از حق و تو در حمایت از رژیم صهیونیستی، فلسطینیان هرگز به این نهاد برای احقاق حق خود امید نداشتند و در عوض بارها در مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌های ضد اسرائیلی تصویب شده است. جریان اداری مجمع عمومی در مقابل خواست کشورهای عرب متعدد تسلیم بوده و دیر مربوطه معمولاً بدون هیچ دخالتی، پیش‌نویس قطعنامه کشورهای عربی را با اندکی اصلاح در صحن مجمع مطرح ساخته است (پاریلو^۱، ۲۰۲۱: ۵۴).

فلسطینیان در چند مورد به‌خصوص در جریان ساخت دیوار حائل، با طرح مسئله در دیوان دادگستری بین‌المللی لاهه، به پیروزی‌های حقوقی دست یافته‌اند. اما بازهم ساختار اداری قضائی این دیوان نگران‌کننده می‌باشد. در جریان رأی‌گیری در خصوص دیوار حائل، جمعی از قضات آمریکایی و عرب تبار شرکت داشته که قضات آمریکا همگی به نفع اسرائیل رأی دادند، اما با توجه به عدم اکثریت آنان، رأی نهایی به نفع فلسطینیان صادر شد (پوجانوسکی^۲، ۲۰۱۹: ۱۴۲).

بنابراین می‌توان چنین بیان داشت که با توجه به کثرت قضات و رأی‌گیری حسب اجماع نظرات آنان، و همچنین عدم همگنی در تابعیت هیئت منصفه، شرط استقلال قضات مخدوش شده و در صورت برهم خوردن نظم طبیعی هیئت منصفه، جریان سیاسی می‌تواند به این نهاد حقوقی وارد شود. لذا ساختار اداری هیئت منصفه دیوان، دارای ایراد اساسی می‌باشد (عسگری، ۱۴۰۰: ۱۴۱).

۶- بایسته های منع سوء استفاده از ساختار اداری شورای امنیت و مجمع عمومی

با شرح مشکلات اداری بیان شده سازمان ملل متحد، ذیل این گفتار پیشنهادهای اصلاح آن در دو بند شرح داده شده است. نیاز است که با قوانین نوشته، اختیارات اداری محدود شده و از ذکر نظریات تفسیری نیز خودداری شود.

۶-۱ وضع قانون نوشته

در خصوص برتری دو نوع قانون نوشته و عرفی، بحث‌های فراوانی مطرح است. یکی از مزایای حقوق نوشته، محدودیت ایجاد شده صریح می‌باشد. حقوق عرفی درجایی که احساس مسئولیت‌ها و تشخیص وظایف به درستی صورت گیرد، کارایی دارد (طباطبائی، ۱۴۰۰: ۳۲). نظام حقوق عرفی در کشورهای هم‌چون انگلستان به خوبی کارایی خود را نشان داده است. نظام اداری سازمان ملل، با توجه به رسالت مهم این نهاد، نمی‌تواند به صورت عرفی اداره شود (ذاکریان، ۱۳۹۶: ۵۴). چنانچه بیان شد انعطاف در مسئولیت‌های اداری سازمان ملل، گاه به تأسیس جدید حقوقی یا دور زدن منشور ملل متحد منتهی می‌گردد. هر چند که محدودیت مسئولیت‌های حقوق اداری به منابع نوشته برای کشورهای غربی، امری غریب می‌باشد (حدادی و حکمتی مقدم، ۱۳۹۶: ۱۷۱). اما با توجه به رسالت مهم سازمان ملل متحد، می‌بایست امورات اداری به منابع حقوق نوشته محدود شود. بنابراین در قدم نخست نیاز است که مسئولیت دقیق دبیرخانه و نحوه اداری نهادهای سازمان ملل متحد حسب منابع حقوق نوشته محدود شود. در این صورت مجریان تنها اختیارات اجرایی محدودی داشته که هیچ اثر حقوقی نخواهد داشت. هیچ عمل اداری نیز نباید برخلاف منشور ملل متحد صورت پذیرد.

۱ PARRILLO

۲ POJANOWSKI



پیش‌نویس قطعنامه‌ها نیز می‌بایست توسط درخواست‌کنندگان تهیه‌شده و مسئولین دبیرخانه تنها حق انشاء آن را دارند. اختیار نظارت کلی و عمومی را می‌توان به دبیر کل واگذار نمود. با توجه به سرشناسی دبیر کل، ضمانت اجرای صحیح حقوق بین‌الملل از طرف وی بیشتر است.

۶-۲ منع نظریات تفسیری

چنانچه بیان شد، تفاسیر دبیران جزئی، نقش مهمی در تنظیم پیش‌نویس‌های تنظیمی دارد. این تفاسیر تا حدی مؤثر واقع می‌شود که گاه موجب خروج یک موضوع از دستور کار نهادهای سازمان ملل می‌گردد. این در حالی است که دبیر کل از چنین اختیاراتی برخوردار نبوده و حق امضاهای وی عمدتاً تشریفاتی می‌باشد. ابراز نگرانی‌های دبیر کل نیز سرمنشأ اعمال حقوقی و اقدامات سیاسی قرار می‌گیرد (متزگر^۱، ۲۰۱۹: ۱۱۴). در عین حال اختیار دبیر کل در انتخاب دبیران جزئی محدود می‌باشد. بنابراین منطقی است که اختیار تفسیر موسع پیش از بحث در خصوص موضوع از دبیران جزئی سلب گردد (مسکور^۲، ۲۰۲۲: ۴۳۲). چنانچه عنوان شد، نظریات تفسیری به راحتی می‌تواند جریان اداره جلسات را حتی برخلاف منشور ملل متحد هدایت کند. البته ذکر نظریات حقوقی به صورت نزاکتی فاقد ایراد می‌باشد (اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۵)، اما در صورت تنظیم پیش‌نویس حسب این نظریه تفسیری، امکان انحراف جریان حقوقی وجود دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که نظریات کارشناسان حقوقی سازمان ملل و در رأس آن‌ها دبیران تخصصی، به صورت نزاکتی و روشنگری اعلام شود و نه مبنای تنظیم پیش‌نویس قرار گیرد. در این صورت جریان اداری نهادهای مذکور به اعتبار خود باقی خواهد ماند.

۷- نتیجه گیری و پیشنهادها

سؤال پژوهش این بود که اثر ساختار اداری سازمان ملل متحد بر اعمال حقوقی آن چیست؟ چنین نتیجه شد که جریان اداری سازمان ملل به سبب انتخاب اولیه دبیران توسط اعضاء، تشریفاتی بودن حق امضاهای دبیرکل، اختیار نظریات تفسیری دبیران جزئی، اختیارات دبیرخانه در اداره جلسات و در نهایت اثرگذاری نظرات تفسیری دبیر جزئی بر جریان اداره جلسات و تنظیم پیش‌نویس قطعنامه‌ها، عملاً راهکاری برای اعمال ظلم به کشورهای ضعیف‌تر می‌باشد. لذا جریان سیاسی جدیدی در نظام اداری ملل متحد ایجاد شده که در نهایت می‌تواند به نادیده انگاشتن منشور نیز منتهی شود.

تجربه نشان داده که هرچاهلاً حقوقی وجود داشته باشد، دست‌آویز اعمال قدرت محسوب می‌گردد. این مهم در حقوق داخلی کشورها نیز مشهود است. در عرف کامن‌لایی کشورها به سبب شعار عدالت‌خواهی، معمولاً سوءاستفاده از آن کمتر مشاهده شده ولیکن اعمال این عرف در ساختار اداری سازمان ملل متحد که نهادی مهم در مسائل حقوق بین‌الملل می‌باشد، می‌تواند به عنوان افت اعمال قدرت محسوب گردد. در بدو تأسیس سازمان ملل متحد، ابرقدرت‌ها بر آن تسلط داشته و هرگاه اراده کرده‌اند تصمیم خود را با ابزار صدور قطعنامه به منصفه ظهور رسانده‌اند. دو بخش مهم مجمع عمومی و شورای امنیت اثرگذاری قابل توجهی بر مسائل سیاسی و روابط بین‌الملل داشته و باتوجه به فقدان سند نظارتی نوشته در خصوص اظهار نظر دبیر جزئی و اقدامات اداری مرتبط، می‌تواند با ابزار تعیین زمان و نظریات تفسیری و حتی رد درخواست، خواسته ابرقدرت‌ها را به ناحق تأمین نماید.

برای رفع این مشکل پیشنهادهای ذیل به جامعه ملل متحد ارائه می‌شود:

۱ METZGER

۲ MASKUR



- ۱- سند جامع اداری-اجرایی سازمان ملل متحد تهیه و تنظیم گردد.
 - ۲- نظریات تفسیری دبیر تنها جنبه نزاکتی (و نه مبنای پیش‌نویس) باشد.
 - ۳- اختیارات دبیرخانه در اداره جلسات تنها محدود به منابع حقوق نوشته در چارچوب منشور ملل متحد قرار گیرد.
 - ۴- اختیار نظریات تفسیری حقوقی به دبیر کل سازمان ملل اعطاء گردد.
- در خصوص هیئت منصفه دیوان دادگستری بین‌المللی نیز انتقاد وارده بدان، عدم همگنی اعضاء و سیاسی بودن آن است، چنانچه در قضیه دیوار حائل، اگر تعداد قضات آمریکائی اندکی بیشتر بود، رای به نفع اسرائیل صادر می‌شد.
- به مسئولین نهاد دیوان دادگستری بین‌المللی لایحه نیز پیشنهاد می‌شود که در انتخاب هیئت منصفه، داوران با تابعیت همگن و کاملاً غیرسیاسی انتخاب گردند.





منابع

الف) منابع فارسی

۱. استواری، کورش؛ امامی، محمد؛ حقوق اداری، تهران، میزان، جلد دوم، ۱۴۰۰.
۲. اسماعیلی، میترا؛ رادان جبلی، علی؛ توسلی نائینی، منوچهر؛ نظام حقوقی حاکم بر پیمان های دولتی در پرتو حکمرانی مطلوب، فصلنامه علمی پژوهش های نوین حقوق اداری، دوره ۳، ۱۴۰۰، صص ۳۹-۵۸.
۳. حجازی، سید امرالدین؛ صلح چی، محمدعلی؛ شورای امنیت سازمان ملل متحد و تاثیر آن در ایجاد امنیت و عدالت کیفری بین المللی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۹، ۱۳۹۹، صص ۹-۴۶.
۴. حدادی، مهدی؛ حکمتی مقدم، سیدمحسن؛ تحول در نظام قضایی داخلی ملل متحد، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۹، ۱۳۹۶، صص ۱۶۷-۱۹۳.
۵. ذاکریان، مهدی، سازمان ملل متحد و امنیت جهانی، تهران، مجد، جلد اول، ۱۳۹۶.
۶. سرو، سهیل و ذوعلم، علی (۱۳۹۹)، «تحلیل گفتمانی مفهوم رفاه اجتماعی در انقلاب اسلامی با تاکید بر دیدگاه آیت الله خامنه ای» فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۸ شماره ۱، صص ۶۲-۳۷.
۷. صالح مجد، حسن؛ زمانی، سید قاسم؛ علیزاده، مسعود؛ تاثیر سازمان ملل متحد در توسعه جایگاه حقوقی بین المللی سازمان های غیردولتی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۳، ۱۳۹۹، صص ۱۸۵-۲۱۲.
۸. طباطبائی، منوچهر؛ حقوق اداری، تهران، میزان، جلد اول، ۱۴۰۰.
۹. عباس تبار و هاشمی (۱۴۰۰)، «مکانیزم و راهبردهای تحقق نظم جهانی دینی از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)» فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال نهم، شماره ۴، صص ۲۰۴-۱۷۷.
۱۰. عسگری، امیر؛ عباسی، بیژن، سازمان های اداری و محلی، تهران، امجد، جلد اول، ۱۴۰۰.
۱۱. قلمکاری، حمیدرضا، سازمان ملل، نهادها و موسسات وابسته، تهران، مجد، جلد اول، ۱۳۹۴.
۱۲. لاجینانی، سجاده؛ مسئولیت حمایت و مشروعیت مداخله بشردوستانه، فصلنامه سیاست، دوره ۳، ۱۳۹۵، صص ۴۹-۶۳.
۱۳. میهن دوست، فاطمه، تحولات اصل منع توسل به زور در حقوق بین الملل در قرن ۲۱، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، کارشناسی ارشد، ۱۳۹۸.
۱۴. الیاسی، مرتضی، حقوق اداری، تهران، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، جلد اول، ۱۳۹۴.

ب) منابع لاتین

1. BAMZAI, Aditya. **Delegation and Interpretive Discretion**: Gundy, Kisor, and the Formation and Future of Administrative Law. Harv. L. Rev., 2019, 133: 164.
2. BOULANGER-BONNELLY, Jérémy; OTIS, Louise. **In Search of Coherence: Burden and Standard of Proof in International Administrative Law**. International Organizations Law Review, 2021, 18.3: 507-539.
3. CANDEUB, D. A. **Preference and administrative law**. Administrative law review, 2020, 72.4.
4. EPSTEIN, Richard, et al. **The Dubious Morality of Modern Administrative Law**. Rowman & Littlefield Publishers, 2020.
5. HENRICO, Radley. **The rule of law in Indian administrative law versus the principle of legality in South African administrative law: some observations**. Obiter, 2021, 42.3: 486-498.
6. IM OFFENEN STAAT, Öffentliches Recht. Prof. Dr. Ivo Appel is Professor of Constitutional Law, Administrative Law, Environmental Law and Philosophy of Law at the Faculty of Law of the University of Hamburg, Germany. **He is also the Managing Director of the Research Centre for Environmental Law at the University of Hamburg. His latest publications include:** Appel, Ivo, 2012, Staat und Bürger in. Climate Change: International Law and Global Governance, 17.



7. KINCHIN, Niamh. **Introduction: 'All is forgiven': administrative decision-making without administrative law. In: Administrative Justice in the UN.** Edward Elgar Publishing, 2018. p. 1-22.
8. LARA ORTIZ, María-Lidón. **Spanish sustainable development through administrative law.** 2021.

